



تیر روز

دارکوب: یعنی غیر رسمی ها بعد از شهر بور او کی میشن؟!

دانش آموزان کارنامه الکترونیکی را چگونه می‌توانند دریافت کنند؟ (ایسنا)
والدین: لابد اینم باید حضوری بیان بریزین و فلش؟!

سختگوی صنعت برق: امروز مشکلی در تامین برق نخواهیم داشت
دارکوب: می‌خواین به خاطر امروز دو ساعت تعظیم و تشکر کنیم؟!

درخواست رئیس پلیس راهور از ماموران: هوای مردم را داشته باشید
مردم: مرسی، میشه دور بین هاتون رو هم چند ساعت خاموش کنین؟!

نیکزاد، نماینده مجلس: وزیر نیرو هفته آینده در مجلس پاسخگوی قطعی برق باشد
دارکوب: امیدواریم به جوری مجلس قطع نشه!

معاون وزیر بهداشت: سیگار تنها محصولی که ارزان است و صف هم ندارد
مردم: البته این که سیگار بخی نداریم هم بی تاثیر نیست!

مدیر عامل آب و فاضلاب: ممکن است مجبور شویم قطعی آب را اعمال کنیم
مشترکان: آره بابا، وقتی برق نداریم، آب می‌خوایم چی کار؟!

کله چغوکي

آق کمال دزد می‌گیرد!
آق کمال
همه کاره و هیچ کاره

چندوقتی بود که تو محل کارمان دزدی از ماشین‌ها زیاد شده بود. روزی نبود که ماشین یکی از همساده‌ها ره دزد نزنه. یا باتری ره مُردن، یا لاستیک زاپاس ره، یا داشبوردشه خالی می‌کردن، یا اگر چیز دندون گیری پیدا نم‌کردن یگ کخی مریختن تو ماشینش تا دلشان خنک بشه! کارمان شده بود هر روز زنگ مزدم پلیس و افسر می‌آمد صورت جلسه نوشت و مرفت. ای آخری زنگ مزدم ۱۱۰ گفتیم همو همیشگی و خودشان مدستین منظورمان چیه!

تو کوچه محل کارمان چند تا شرکت دگه هم هست. یگ روز که ضبط ماشین یکی از بچه‌ها ره زده بودن و از وقتی صدای دزدگیر ره شنیدم تار فتم تو کوچه حدود ۳ ثانیه طول کشیده بود، یگ فکری به ذهنم رسید. به همساده‌ها که آمده بودن تا جدیدترین صحنه جنایت ره بررسی کنن گفتیم: «آجی‌ها و برارای گلم، ای دزد ناقلا اینجی ره دزد زده، تا گیر بیفته هم هر روز همی بساطه. چاره‌ای هم ندارم و باید دست به کار بشم.» یکی از بچه‌های شرکت گفت: «خب به مدت بدون ماشین بیایم تا از سرش بیفته و به به محل دیگه» گفتیم: «مهندس مگه بستنی شکلاتیه که یگ مدت نخوره از سرش بیفته؟ بعدشم مواوسر شهر تا بخوام با اتوبوس و مترو بیام، سه ساعت طول مکشه، دوبار هم کرونا مگیرم. مخواستُم بگم...» باز یکی دگه از همساده‌ها که دیروز آینه بغل ماشینش ره از جا درآورده بودن عصبانی گفت: «باید به پارکینگ تو کوچه بسازیم...» همه اول به هم نگاه کردم، بعد به کوچه که بری خانه‌ها هم دگه توش جان بود، بعد به جیب‌مان و بعد هم به همساده که خوب شد خودش فهمید چی گفته و ادامه نداد! گفتیم: «مو به ذهنم رسیده که از ای به بعد ساعتی هر کدوم‌مان...» یکی دگه پرید وسط حرفم که: «کوچه کناری یک زمین خالی هست که دورش دیواره، میشه صاحبش رو پیدا کنیم و به عنوان پارکینگ ساعتی اون جا رو ازش اجاره کنیم» گفتیم: «دداش، الان جلوی چشم خودمان و تو این کوچه شلوغ با ۱۰ تا دوربین، میاد مزه مزه. بعد از صبح ماشیناره بذارم تو یگ چار دیواری بدون نگهدار و شب اسکلتشه و درام برم خانه؟! اگه اجازه بدن بگم که از امروز هر کی ماشین دره یگ ساعتی ره بیاد تو کوچه بیشینه و حواسش به کل ماشینا باشه، تا بعدش ببینم چی میشه.»

خوشبختانه همه قبول کردن. الان هم دازم از زیر سایه درخت چنار لب‌چوب‌ای مطلب ره براتان منویسم! ایم از ای.

در حاشیه قطعی برق! و زمان بندی بی برنامه اش



کار نویسنست: محمد جواد ظاهری

دیکتیوناری

صوری محل درآمد تازه‌ای برای خودش و خاندانش ساخته‌است.»

نان بر (Noon Bor): چیچی. چیزی که با آن نان را به قطعه‌های مساوی تقسیم می‌کنند تا بهتر در نان دانی و دهان جای گیرد. در اصطلاح به کسی می‌گویند که نان کسی را قطع کند. مثال: «فلانی آدم نون بریه، سعی کن طرفش نری» ترجمه: «آن شخص نان‌ها را به قطعه‌های نامساوی تقسیم می‌کند، حواست باشد که نانت را به دستش ندهی که لقمه لقمه می‌کند.»

نان استاپ (Nonstop): نانی که نمی‌ایستد. کنایه به قیمت نان است که برای لحظه‌ای هم توقف ندارد و اگر ناخواسته یک مدت گران نشد، به مرور بازونش کم می‌شود یا تعداد کنجده‌های روی آن ناپدید می‌شود یا سایزش از ایکس لارج به اسمال تغییر می‌کند، نان استاپ.



نان (Noon): قوت غالب. غذای نصف به علاوه نصف منه‌ای ۲ درصد ایرانیان. تشکیل شده از قسمتی خمیر، به اضافه بخشی سوخته که در نوع خود بسیار جذاب است. این خوراکی فقط از آرد گندم درست شده ولی قیمتش بسته به هزاران عامل است، از دلار گرفته تا بورس و دوری و نزدیکی به انتخابات و... نوع جوان هم موجود است که برخلاف تصور عمومی گران‌تر از نان گندم است. **نان دانی** (Noondooni): جایی که نان را در آن نگهداری می‌کنند. البته این روزها نان را در یخچال و فریزر می‌گذارند چون علاوه بر این که بسیار قیمتی است، طوری پخته می‌شود که اگر دو دقیقه بیرون ماند تبدیل به مصالح ساختمانی می‌شود. در اصطلاح به شغل جدید هم می‌گویند. مثال: «پارو نون دونی جدید برای خودش درست کرده» ترجمه: «آن مدیر با ساخت یک شرکت



با این مدل درس خوندن و امتحان دادن
یا تو آقساییدیم یا اوت!



کار نویسنست: علی کاشی

وزیر بهداشت:

فشار خون بالا

بیشتر از

کرونا قربانی

گرفته است

فال روز

ای صاحب فال، این هفته در فالت هیچی نمی‌بینیم! اون چراغ قوه گوشیت رو روشن کن بلکه یه چیزی معلوم بشه، باز با قطع... آهان... او کی حله. این جایک الاکلنگ می‌بینیم که یعنی یا آب داری یا برق. پس با سطل و آفتابه رو پر کن، یا پاوربانک و شارژر گوشیت رو، تا هفته خوبی در پیش داشته باشی!

شعر روز

دوبیتی های خبری هفته

کلافگی مردم از بی برنامه‌گی برق

به منظور سیاحت خواهد آمد
به سختی نه، که راحت خواهد آمد
نخواهد رفت برق ما از این پس
فقط روزی دو ساعت خواهد آمد!

حواشی توهین فیروز کریمی به

نویسندگان ادامه دارد
تعجب نیست گر کاری ندارد
به جز در دو گرفتاری ندارد
چرا؟ چون جز به قصابی در این شهر
قلم دیگر خریداری ندارد!

قیمت مرغ به ۳۰ هزار تومان رسید

«هنگام سپیده دم خروس سحری
دانی ز چه رو کند همی نوحه گری»
یعنی که دلم برای تو می‌سوزد
دیگر نشود بال مرا هم بخری!

مجید رحمانی صانع



امان از این فضای مجازی!

فضاهای مجازی پیرمان کرد
کمی از زندگی هم سیرمان کرد
گرفتار دود شاخ مجازی
و تبلیغات صد کفگیر مان کرد!
یکی با فال حافظ گونه خود
اسپر صد مدل تعبیر مان کرد
یکی پر ادعا در پولداری
و با بنزش فقط هی زیر مان کرد
و در سویی دگر بهنوش نامی
فقط تبلیغ کرد و پیر مان کرد
یکی از ازدواج و عاشقی گفت
و این سان غرق در تاثیر مان کرد
یکی هم با دروس فلسفی طور
فقط هی نقد و هی تفسیر مان کرد
عجب جایی است دنیا مجازی
که بی رنج و غمی تکثیر مان کرد
شدیم از بس که سرویس از چنین وضع
مکانیک آمد و تعمیر مان کرد!

بهار نژند



قفل دستمال

نوع: کلی و جزئی

قیمت: طبق تعرفه اتحادیه

توضیحات:

این قفل توسط مخترعان جوان کشورمان ساخته شده که در حال گذراندن مراحل دریافت گواهی ثبت اختراع و تاییدیه‌های ملی و بین‌المللی آن هستیم. پس از گران شدن دستمال، به این فکر افتادیم تا وسیله‌ای برای حفظ آن اختراع کنیم که پس از ساعت‌ها بررسی، به این فناوری دست یافتیم. خبر خوش آن که به زودی مدل قفل دستمال رومیزی و دستمال سفره این اختراع هم رونمایی خواهد شد. با تبلیغ، ما را حمایت کنید